



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



شاد روان استاد علي اصغر « پشپير هروي »

تاريخ نشر: 23 جون 2019 م



حكايت 279

چون نكردى خرابى آبادان - بخرابى چه ميشوى شادان؟
« سناني »

مى خواهد پميرد

ابراهيم بن ابى محمد يحيى ابن مبارك يزىدى كه يكى از ادباى معاصر مأمون عباسى « ۱۹۸ - ۲۱۸ »
بوده از پدر خود يحيى يزىدى نقل كرده است كه من در مجلس ابراهيم بن عبدالله بن حسن مثنى
« مشهور بقتيل » با خمرا كه در « ۱۵ ذيقعدة سال ۱۴۵ هجرى » در جنگ بالشكريان (منصور
عباسى مقتول شده) نشسته بودم ، ابراهيم احوال يكى از دوستان خود را كه آنروز در مجلس حاضر
نشده بود پرسيد و چون حصار اظهار بى اطلاعى كردند .

یکنفر را بخانهء شخص غایب فرستاد تا از حال وی استعلام نماید .

فرستادهء ابراهیم رفت و برگشت و گفت :
او را در حالی ترک نمودم که می خواهد بمیرد (ترکته یریدان یموت) حضار مجلس بر آن شخص خندیدند و برسم اعتراض از او پرسیدند :

آیا کسی در دنیا هست که خودش بخواد بمیرد؟

ابراهیم وقتی که خندهء حاضران را بر گفتهء آن شخص دید خطاب بایشان گفت:

چرا خنده می کنید و چرا بر او طعنه میزنید ؟ لفظ « یرید » در اینجا بمعنی « یکاد » است . بنا براین مقصود او از « میخواد بمیرد ، اینست که نزدیکست بمیرد » . سپس برای اینکه شاهی بر کلام خود آورده باشد گفت :

« فان الله تعالى » جدا را یریدان ینقض ای ان یکاد ، (دیواری را که می خواست بشکند یعنی نزدیک بود که بشکند) .

ابو عمر وابن العلاء که در آن مجلس حضور داشت خطاب به ابراهیم گفت :
ما همیشه در خیر و نیکی هستیم تا زمانی که دانشمندی مانند تو در میان ما باشد .

سلسه این حکایات آموزنده ادامه دارد ...

ناشر :
سایت وزین 24 ساعت
موسس و مسوول :
محمد مهدی « بشیر »

www.24sahat.com

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی